

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۵N۱۰sh ۸۵۵۰۳ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

مسئولیت مدنی پلیس (نیروی انتظامی) در جمهوری اسلامی

با بررسی آراء محاکم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۶)

محمدعلی خواجه نجفی

دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی فاران مهردانش البرز

چکیده

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمان پلیس عهده دار وظایف عام، متنوع، سخت و مسئولیت آور است. اجرای صحیح و قانونی وظایف و مقررات توسط ضابطین عام مورد تأکید قانونگذار است. که بخش مهمی از وظایف قانونی مربوط به برقراری نظم و امنیت، پیشگیری از جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، اجرای دستورات مقام قضایی، اجرای احکام مدنی و کیفری، در ابعاد مختلف آن و همچنین بخش عمده ای از خدمات انتظامی و غیرانتظامی از قبیل صدور گواهی نامه، گذرنامه، امور وظیفه عمومی، پلیس بین الملل و امور ضابطین بر عهده سازمان پلیس قرار داده شده است و در کمتر قانونی می توان رد پا و جلوه ای از مأموریت های سازمان پلیس را مشاهده نمود. گستردگی و تنوع مأموریت ها تا حدی است که بیش از هر نهاد، سازمان یا ارگان دیگری مأموریت پلیس را با زندگی اشخاص (حقیقی و حقوقی) مرتبط می سازد، ضرورت قانونی بودن اقدامات و رسیدگی ها، سازمان و کارکنان پلیس را مکلف می سازد تا در چارچوب قوانین به انجام آن مبادرت ورزند. گاهی ممکن است انجام وظایف محوله، موجبات وقوع حوادث زیان بار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه سبب تحقق مسئولیت کیفری یا مدنی برای کارکنان و یا سازمان پلیس را فراهم آورده که آشنایی کارکنان پلیس با مصادیق مسئولیت مدنی پلیس و لزوم جبران خسارت و زیان وارده اعم از مادی و معنوی در اثر

اقدامات آنان و تقلیل حوادث افعال زیان‌بار و در نتیجه دقت بیشتر آنان در انجام مأموریت‌ها و آشنایی زیان‌دیدگان با موارد مسئولیت و موارد معافیت کارکنان و سازمان پلیس و ارائه‌ی راهکارهای مناسب در جهت کاهش مسئولیت مدنی پلیس پیشنهاد گردیده و توجه به قواعد، مبانی و منابع عام و خاص مسئولیت مدنی پلیس قرار گرفته است و مصادیق قانونی مسئولیت مدنی پلیس با بررسی مواد مرتبط در قانون اساسی، مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی، شیوه‌های جبران خسارت، قانون بکارگیری سلاح و قانون مدنی، مورد بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سازمان پلیس، کارکنان پلیس، مسئولیت مدنی، جبران خسارت

مقدمه

بخش مهمی از وظایف قانونی محوله در جمهوری اسلامی ایران بر عهده‌ی نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد.^۱ بر این مهم بخش قابل توجهی از کارکنان این ارگان انتظامی (ضابطین عام) وظیفه مهم و خطیر کشف جرم را که اولین و مهمترین مرحله از مراحل فرآیند رسیدگی به جرم محسوب می‌شود بر عهده دارند.

موضوع این تحقیق و قلمرو بحث، بررسی مسئولیت مدنی همه‌ی کارکنان چه آن دسته از کارکنانی که در مقام ضابط دادگستری ایفای وظیفه می‌نمایند و چه آنان که در این مقام نیستند. در نهایت تدابیر و راهکارهای مناسبی در جهت کاهش دعاوی مسئولیت مدنی سازمان و کارکنان پلیس ارایه شده است.

۱- با تصویب قانون تشکیل نیروی انتظامی ایران مصوب ۱۳۶۹ شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی و پلیس قضایی و سازمان واحدی تحت عنوان «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» که به اختصار «ناجا» خوانده می‌شود به وجود آمده که امروز وظیفه برقراری نظم و امنیت را در کشور بر عهده دارد و پلیس ایران تحت همین عنوان است.

الف) سئوالات تحقیق

۱) آیا پلیس با رعایت دقیق موازین حقوق شهروندی قادر است به طور مطلوب از عهده کشف جرایم و تحقیقات مقدماتی برآید؟

ب) فرضیه‌های تحقیق

۱. در برخی از جرائم از جمله جرائم علیه امنیت کشور رعایت دقیق موازین حقوق شهروندی به کشف بموقع و انجام تحقیقات مقدماتی لطمه وارد می‌آورد.
۲. اگر وجود نقض در قوانین موضوعه سبب اشتباه پلیس شود مسئولیت جبران خسارت زیان‌دیده با توجه به ماده ۱۱ ق.م.م برعهده دولت است.

ج) اهداف و کاربردها

هدف تحقیق حاضر از آن رو حائز اهمیت است که اعمال زیان‌بار پلیس به حوادث منجر به مرگ محدود نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد اموال شهروندان تلف می‌شود و تحت شرایطی دیگر به حیثیت و اعتبار معنوی اشخاص لطمه وارد می‌گردد. پس بجاست که جبران هر سه نوع خسارت مالی، بدنی، معنوی ناشی از اقدام پلیس مورد بررسی قرار گیرد تا شهروندان به سهولت بتوانند مطالبه خسارت کنند و دیگر با عدم پیگیری و عدم مطالبه خسارت از پلیس ناشی از ناآگاهی شهروندان به حقوق اجتماعی و مدنی خود مواجه نشویم. غافل از آنکه با قواعد عام مسئولیت مدنی نیز همیشه امکان رجوع به پلیس وجود داشته است. و از سوی دیگر خسارت وارده از سوی پلیس شهروندان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است نگاه عمومی جامعه به چنین ارگانی در مقام ضابطین عام تغییر یابد و علیه پلیس یا سازمان پلیس اقامه دعاوی کنند و با صدور احکام محکومیت و الزام کارکنان یا سازمان به پرداخت خسارتهای وارده آثار و تبعات زیان‌بار فراوانی نه تنها برای سازمان پلیس بلکه مشکلات عدیده‌ای برای این دسته از کارکنان و خانواده‌های آنها ایجاد می‌شود. ضروری است تدابیر و راهکارهای حقوقی و اجرایی ویژه‌ای برای کاهش حوادث زیان‌بار کارکنان نیروی انتظامی و همچنین خود این سازمان اندیشیده و پیش‌بینی شود. در همین

راستا با انجام مطالعات تخصصی به ویژه حقوقی در جهت کاهش زیان بار سازمان و کارکنان پلیس تدوین گردیده است.

مسئولیت مدنی، مفهوم پلیس و اقسام پلیس، مبانی و منابع مسئولیت مدنی پلیس نظریه های مختلط و واسطه از جمله نظریه تساوی شهروندان در برابر هزینه های عمومی و مفهوم ضرر و اقسام ضرر و رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان بار و اعاده وضع به حال سابق و جبران خسارت اعم از مالی و معنوی پرداخت دیه توسط پلیس مقصر یا از محل بودجه سازمان از جمله بیت المال و همچنین تقصیرات پلیس استخراج و پیشنهادات کاربردی مناسبی نیز ارائه گردیده است که بررسی یکی از اراء صادره این مهم را پوشش میدهد.

مبحث اول: مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی که گاهی از آن به مسئولیت جبران ضرر و زیان نیز تعبیر می شود از مباحث مهم حقوقی است «مسئولیت» کلمه ی عربی است و معادل فارسی آن عبارت «پاسخگویی» است که معنای آن از لحاظ لغوی، تا حدودی واضح و روشن است و ابهامی ندارد. در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور شده است. مسئولیت عبارت از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی است که عرفاً به او استناد داده می شود که ضمانت اجرای قانونی آن بر حسب نوع مسئولیت متفاوت است، مثلاً مسئول بودن در امور کیفری، عبارت از تحمل مجازات قانونی مترتب جرم می باشد ولی مسئول بودن در امور مدنی، عبارت از التزام به جبران خسارت ناشی از فعل به حکم قانونی می باشد.^۱

گفتار اول: مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی یعنی مسئولیت پرداخت خسارت. بنابراین هر جا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد در آنجا مسئولیت مدنی وجود دارد. علیهذا مسئولیت مدنی جزو «وقایع حقوقی» است چون حتی در جایی که شخص عمداً به دیگری ضرر می زند یا از اجرای قراردادی خودداری می کند، قصدش مسئولیت خود نیست بلکه مسئولیت را قانون بر

او تحمیل می‌کند.^۱

بند اول: تعریف مسئولیت مدنی

ارائه تعریف از مسئولیت مدنی کمی دشوار به نظر می‌رسد زیرا در تعریف بایستی به معنای مسئولیت مدنی که مرکز تضارب افکار است نیز اشاره شود و به تعبیر برخی از حقوقدانان اگر در بین مباحث حقوقی مدنی سزاوار باشد^۲ مستقیماً به موضوع می‌پردازیم. بدون توجه به تعریف آن، همین بحث مسئولیت مدنی خواهد بود به هر حال تعریف متعددی از مسئولیت مدنی به عمل آمده است که به دو مورد اشاره می‌شود.

۱. **مسئولیت مدنی حالتی** است که قانوناً شخص ملزم است ضرری را که به دیگری به واسطه خطای خود ایراد نموده جبران نماید.

نظریه فوق مبتنی بر خطا یا تقصیر است و برای تحقق مسئولیت وجود ضرر را کافی نمی‌داند.

۲. مسئولیت مدنی تعهداتی است که بر دوش فرد گذاشته می‌شود و ناشی از فعالیت‌های اوست حتی در صورتی که مرتکب خطا یا تقصیر نشده باشد تعریف مزبور که به ساواتیه نسبت داده می‌شود به موضوعی بدون ملاک مسئولیت مدنی اشاره می‌کند. مهمترین بحثی را که ما را در شناخت مسئولیت مدنی کمک و یاری می‌کند بررسی مبنای مسئولیت مدنی است.

بند دوم: تمیز مسئولیت مدنی از مفاهیم مشابه

لفظ مسئولیت در مفهوم کلی آن برای بیان انواع مسئولیتهای مدنی و اخلاقی و کیفری استعمال می‌شود.

از منظر حقوقی در هر مورد که افراد ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد و در هر مورد که انسان در مقابل وجدان خویش پاسخ‌گوی

۱- بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰، ص ۳۰

خطای ارتكابی خود باشد می‌گویند او در برابر وجدانش «مسئولیت اخلاقی» دارد و در هر مورد که شخص دست به انجام یا خودداری از انجام کاری که جرم است بزند یعنی با عمل خود متعرض جسم و جان یا آزادی و حیثیت یا مال شخص دیگری شده و یا اینکه نظم جامعه را مختل سازد چون ناگزیر از پاسخ‌گویی به آثار و نتایج عمل مجرمانه خویش است می‌گویند او در برابر جامعه مجنی علیه دارای «مسئولیت کیفری» است. که رای صادره به عنوان تمثیل نیز موید این مهم می‌باشد

با توجه به مفاهیم سه گانه فوق‌الذکر بین مسئولیت مدنی، اخلاقی و کیفری از جهات متفاوت مشهود و قابل بررسی است. ولی از نظر قانون دو قسم مسئولیت مطرح می‌باشد. یکی مسئولیت مدنی و دیگری مسئولیت کیفری اصطلاح مسئولیت قانونی در فقه اسلامی مترادف یا «ضمان» است طبق قاعده ضمان هرگاه از عمل شخص و یا از خطای او یا از سببی که ایجاد می‌کند به مال یا نفس اشخاص دیگر، ضرر و زیانی برسد عدالت اقتضا می‌کند که مرتکب را مسئول به حساب آورده، او را ملزم به جبران خسارت کنیم و پاسخگویی آثار و نتایج عمل ارتكابیش بدانیم. بطور کلی موارد ضمان ما اعم از قراردادی و قهری در فقه اسلامی به موجب دو قاعده «اتلاف و تسبیب» پذیرفته شده و شامل هر گونه مسئولیتی اعم از کیفری و مدنی است: بین مسئولیت کیفری و مدنی، نقاط طلاقی و مشترکی هم وجود دارد از قبیل اینکه شرط تحقق مسئولیت کیفری و مدنی این است که در هر دو مورد شخص عملی را انجام می‌دهد با ترک می‌کند که موجب ضرر می‌شود.

بند سوم: مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی

کسی مسئول است که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد.^۱ اخلاق از مستقلات عقلیه می‌گویند: مستقلات عقلیه قواعد عقلی یکسانی است که هر انسانی در هر جا که باشد آن‌ها را درک می‌کند. مثل لزوم جبران ضرر که اساس مسئولیت مدنی است. مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوقی با مسئولیت اخلاقی متفاوت است که برای پرهیز از طولانی نشدن بحث به

۱- ناصر کاتوزیان، تعهدات مدنی - دکتر ناصر کاتوزیان الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، ص ۴۸

پنج مورد اشاره می‌گردد.

۱. مسئولیت اخلاقی در برابر خدا و وجدان است ولی مسئولیت مدنی به حکم قانون و در برابر زیان‌دیده است.

۲. مسئولیت اخلاقی با نوعی «تقصیر» همراه است ولی ممکن است شخص بدون «تقصیر» هم مسئولیت مدنی داشته باشد.

۳. قصد و نیت در اخلاق نقش محوری دارد ولی در مسئولیت مدنی چنین نیست

۴. ورود ضرر شرط تحقق مسئولیت مدنی است ولی در اخلاق چنین نیست

۵. در مسئولیت اخلاقی قاضی خداوند است و همچنین وجدان انسانی ولی در مسئولیت مدنی به مراجع قضایی ارجاع می‌شود.^۱

ب: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری همانند مسئولیت مدنی از آزادی اراده شخص نشات می‌گیرد در قدیم این دو مسئولیت با هم مخلوط بوده است. مجازات کسی که جرمی مرتکب می‌شد در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به قربانی خود بود، چنان که «دیه» در حقوق اسلام نیز همین مفهوم را داشت.^۲ شرط تحقق مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری این است که در هر دو مورد، شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود. بنابراین در مورد مسئولیت مدنی، ضرر وارد، متوجه یک شخص بخصوصی است در حالی که در مسئولیت کیفری، ضرر متوجه جامعه می‌باشد. روابط مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری که کاملاً با یکدیگر فرق دارند که با اشاره به دو مطلب ذیل کاملاً مشخص می‌شود.

۱. مسئولیت کیفری بدنبال خود مجازات دارد و اگر پرداخت وجهی باشد خود نوعی مجاز

۱- بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی ص ۳۱، نشر میزان، تهران ۱۳۸۸، ص ۳۱

۲- در ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی (دیات) می‌خوانیم «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می‌شود».

است ولی در مسئولیت مدنی جبران زیان مادی است که بر افراد وارد آمده است.
 ۲. در مسئولیت کیفری اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» اصلی مهمی است یعنی هیچ جرم و هیچ مجازاتی نیست مگر به موجب قانون، ولی در مسئولیت مدنی اصل این است که هر کس به دیگری زانی وارد آورد باید جبران کند.^۱

بند اول: اهداف مسئولیت مدنی

اهداف مسئولیت مدنی بحث بر سر این است که این نوع مسئولیت در عمل چه نیازها و چه هدفهایی را برآورده می‌سازد. مرسوم است که می‌گویند در هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان‌دیده و تسلی خاطر وی، مجازات خطا کار و بازداشتن فاعل و دیگران از ارتکاب مجدد فعل زیان‌بار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاصی در جامعه است.^۲ که به گوشه‌ای از نظرات بزرگان حقوق در این خصوص می‌پردازیم.

بند دوم: جلب رضایت زیان‌دیده و نداشتن سونیت عام و خاص و همکاری با مقام

قضایی

هر فرد نسبت به اموال خود دارای تعلقات مثبتی می‌باشد که موجبات نوعی دلبستگی میان فرد و اموال وی را به وجود می‌آورد. زمانی که فعل زیان‌باری موجب بروز ضرر به شخص دیگر می‌شود، اولین نتیجه بر ذهن مالک مبنی بر بروز نارضایتی از ورود خسارت بر مال خود می‌باشد. عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که هدف نهایی از قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت نیست بلکه تمامی مبالغ بهانه‌ای برای جلب رضایت زیان‌دیده می‌باشد.

بند سوم: مجازات خصوصی عامل

هر شخص که فعل زیان‌باری را انجام می‌دهد موجبات نارضایتی افراد دیگر را فراهم آورده است که تنبیه فاعل ابتدایی‌ترین عامل در جلوگیری از تکرار این اعمال است. مدافعان این

^۱ - دکتر ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، ص ۵۲

^۲ - بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ص ۳۲۰، به نقل از ویلیامز در

هدف‌های مسئولیت مدنی ص ۱۳۷

نظریه معتقدند که اولاً فاعل باید خود پیامدهای فعل زیان‌بار را تحمل نماید و ثانیاً تحمیل نتایج فعل زیان‌بار بر فاعل موجبات تنبیه مرتکب و عدم تکرار عمل را فراهم می‌آورد.

بند چهارم: برقراری عدالت

برای حفظ و ثبات عدالت در جامعه تحمیل ضرر وارده برمتجاوز ضروری می‌باشد. چرا که وی با عمل خلاف قانون خود موجبات ورود ضرر به دیگری را فراهم نموده است و هم اکنون باید جهت تنبیه وی و برقراری عدالت، جبران ضررهای وارده را از وی مطالبه نمود.

بند پنجم: احقاق حق زیان‌دیده

اسلام هدف مسئولیت مدنی را احقاق زیان‌دیده می‌داند. فقها معتقدند که جبران زیان وارده شده بر مفعول، نه تنها حق مفعول بوده بلکه حق برگردن فاعل می‌باشد که با جبران این ضرر دین خود را در برابر مفعول ادا می‌نماید.^۱

بند ششم: جبران خسارت والتیام زیان‌دیده

اثر مهم و اصلی مسئولیت مدنی حق جبران خسارت می‌باشد که به استناد این حق زیان‌دیده می‌تواند با رجوع به انجام دهنده فعل زیان‌بار و یا در دادگاه صالح خواهان جبران خسارت وارده خویش شود که جبران خسارت زیان‌دیده به دوصورت انجام می‌پذیرد: برگرداندن وضع او به صورت پیشین خود بدین معنی که ضرر واردشده را چنان تدارک دهد که گویی از اصل زبانی وارده نیامده است مانند اجبار به تعمیر و بنای ساختمان تلف شده که در ماده ۳۲۹ ق.م. به همین منظور عنوان شده است. جبران خسارت از راه معادل بدین گونه که چون اعاده وضع به صورت پیشین امکان ندارد ارزش معادل آنچه از دست رفته است به دارایی زیان‌دیده افزوده شود.

این دو در عرض یکدیگر نیستند تا عامل ورود زیان بتوانند به میل خویش برگزینند یا زیان‌دیده در انتخاب راهی که بیشتر می‌پسندد آزاد باشد.

هدف از ایجاد مسئولیت مدنی این است که زیان به طور کامل جبران شود و زیان‌دیده وضع

۱- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰

پیشین را باز یابد پس تاجایی که این راه باز است از حیث التیام زیان دیده نباید از صورت ناقص جبران خسارت استفاده کرد.

بند هفتم: مجازات خطاکار، بازدارندگی و برقراری صلح

مراد از خطا در اینجا عبارتست از هرگونه صدمه‌ای که به جسم یا شرف یا آبرو و عواطف انسان وارد گردد که در یک تقسیم‌بندی حقوق از آنها به عنوان خسارت‌های مالی و جانی و معنوی تعبیر می‌شود که مطابق ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی، اگر خطا در اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم مهارت باشد خطاکار ضامن بوده و مسئولیت کیفری دارد و همچنین در ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ آن را در مقابل تقصیر عمدی به کار برده است. فی‌المجموع یکی از اهداف اصلی مسئولیت مدنی مجازات خطاکار است چرا که خطاکار با فعل زیان‌باری که انجام می‌دهد ممکن است موجبات نارضایتی دیگران از جمله اشخاص یا سازمانی را فراهم نماید و مجازات وی مطابق قانون، ابتدایی‌ترین عامل در بازدارندگی از تکرار این اعمال است چرا که تنبیه وی موجبات تسلی خاطر زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان را فراهم نموده و هم عبرتی است برای دیگران در جهت برقراری صلح^۱.

بند هشتم: پلیس

پلیس مظهر اقتدار و قدرت هر نظام است که در نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده ۳ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ که هدف از تشکیل این نیرو استقرار امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی از دستاوردهای انقلاب در چهارچوب قانون بر شمرده شده است. پلیس مهمترین سازمان دولت و مسئول برقراری نظم عمومی و امنیت در جامعه به شمار می‌رود.

^۱ - باریکلو، علی‌رضا، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۴۰

بند نهم: پلیس عمومی

واحدهای پلیس عمومی شامل کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی هستند که در انجام مأموریت کشف جرم و به عنوان ضابط دادگستری صلاحیت عام دارند. بدین معنی که به عموم جرایم ارتكابی در سطح حوزه استحفاظی به جز مواردی که در صلاحیت واحدهای پلیس تخصصی باشد، صلاحیت رسیدگی دارند. واحدهای پلیس عمومی در صورت برخورد با هر گونه جرایمی که در صلاحیت واحدهای پلیس تخصصی است، اقدامات اولیه را در حفظ آثار و مدارک جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام داده و مراتب را به پلیس‌های تخصصی اعلام می‌نمایند

بند دهم: اهداف پلیس

سازمان پلیس بنا به گستردگی مأموریت‌های انتظامی و امنیتی و قضایی که بر اساس قوانین موضوعه از جمله قانون تشکیل نیروی انتظامی ۱۳۶۹ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و قوانین مجازات اسلامی و مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲ و سایر قوانین کیفری بر عهده دارد ممکن است دچار نقض برخی از اصول اساسی این مأموریت‌ها و یا نقض قوانین گردیده و موجبات مسئولیت کیفری یا حقوقی خود را فراهم آورد. اگر چه برخی از جرایم صرفاً جنبه‌ی عمومی دارند و مسئولیت مدنی در آنها محقق نیست لیکن جرایم بسیاری از جمله جرایم دارای جنبه خصوصی و حق الناس علاوه بر جنبه‌ی عمومی و کیفری خود دارای جنبه مدنی (جبران خسارت) نیز هستند. بنابراین ارتكاب برخی جرایم توسط کارکنان پلیس و با تصمیمات اشتباه سازمان یا مسئولین سازمان ممکن است منجر به تحقق مسئولیت کیفری و مدنی تبعی سازمان یا کارکنان آن گردد.

بخشی از این وظایف را که در موادی از آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین آمده است می‌توان تحت عنوان وظایف انتظامی، امنیتی و پیشگیری مطرح نمود. این وظایف عبارتند از:

الف: وظایف قضایی شامل:

۱. کشف جرم
 ۲. بازجویی مقدماتی
 ۳. حفظ آثار و دلایل جرم
 ۴. جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
 ۵. ابلاغ اوراق قضایی
 ۶. اجرای تصمیمات قضایی
- علاوه بر وظایف کشف جرم، در مقام احصاء وظایف قضایی کارکنان و سازمان پلیس پس از مرحله وقوع جرم، تحقق و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار و اختفای متهم، وظایف دستگیری و مراقبت و ملازمت و بدرقه مظنونین، متهمین، مرتکبین، مجرمین و محکومین نیز اضافه شده است.
- ب: وظایف انتظامی و امنیتی و پیشگیری پلیس (بر اساس ماده (۴) قانون تشکیل نیروی انتظامی ۱۳۶۹) که عبارتند از:
۱. استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی.
 ۲. مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هر گونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات.
 ۳. تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها، و فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیر مجاز.
 ۴. اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها.
 ۵. حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها به استثناء موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، که به

عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۶. حفاظت از مسئولین و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثناء داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی، مگر در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۷. جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرح‌های مصوب شورای امنیت کشور.

۸. انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

الف. مبارزه با مواد مخدر.

ب. مبارزه با قاچاق.

ج. مبارزه با منکرات و فساد.

د. پیشگیری از وقوع جرم.

ه. کشف جرایم.

و. بازرسی و تحقیق.

ز. حفظ آثار و دلایل جرم.

ح. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها.

ط. اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

۹. انجام امور مربوطه به تشخیص هویت و کشف علمی جرم.

۱۰. مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها.

۱۱. اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (به جز گذرنامه سیاسی و خدمت)، ورود و اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه تحت پوشش دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه).
۱۲. اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه‌های کشور.
۱۳. اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی.
۱۴. نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب.
۱۵. همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور.
۱۶. همکاری با دبیرخانه پلیس بین الملل (اینترپول).
۱۷. همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و شهرداری‌ها در حدود قوانین و مقررات مربوط.
۱۸. همکاری با سازمان‌های ذی ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به منظور کاهش جرایم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.
۱۹. انجام امور امدادی و مردم یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذی ربط.
۲۰. سازماندهی، تجهیز، آموزش یگان‌های انتظامی و آماده کردن آنها جهت اجرای مأموریت محوله
۲۱. تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوط.
۲۲. تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط، در حد برد سلاح ضد هوایی سازمانی، با هماهنگی و کنترل عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. تأمین نیازهای پزشکی پرسنل و اداره بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مربوط.
۲۴. تهیه طرح نیازمندی‌های لجستیکی و اقدام در جهت تهیه و خرید اقلام خدماتی که از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده نیروهای انتظامی واگذار می‌گردد. همچنین اقدام جهت خرید املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرح‌های مصوب.
۲۵. تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی.

۲۶. تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی.

علاوه بر وظایفی که در مواد بالا ذکر شد، در ماده (۴۲) قانون آ.د.ک مقامات رسمی و مأمورین پلیس نیز مکلف شده‌اند تا دستورات مقامات قضایی را فوری به موقع اجرا گذارند. همچنین تصریح گردیده که متخلفین از این مقرر قانون به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردند. این مقرر قانونی در واقع تکرار بخش‌هایی از وظایفی است که در ماده (۴) ق. نیروی انتظامی و ماده (۱۵) به بعد ق.آ.د.ک و مواد (۵۷۰) به بعد ق.م. اسلامی ۱۳۷۵ آمده است.

همچنین در ماده (۴۳) قانون آ.د.ک با طبقه بندی جرایم به جرایم منافی عفت و جرایم غیر منافی عفت، به مقامات قضایی صرفاً اجازه داده شده تا در غیر موارد منافی عفت، اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند^۱ با تعلیمات لازم به ضابطین ارجاع نمایند.

قانونگذار در ماده (۴۵) مخفی بودن متهم یا معین نبودن و یا عدم دسترسی به او را دلیل موجهی برای توقف اقدامات ضابطین در خصوص کشف و تحقیقات راجع به جرم نمی‌داند. غیر از مواد قانونی مذکور، به موجب ماده (۲۲۱) همین قانون رسیدگی به جرایم اطفال صرفاً توسط دادگاه انجام خواهد شد که با توجه به پیش‌بینی تخصصی اطفال و نوجوانان در لایحه آیین دادرسی کیفری پیشنهادی قوه قضاییه، به نظر می‌رسد که به تصویب این لایحه ممنوعیت انجام اقدامات کشف جرایم اطفال از سوی کارکنان پلیس نیز بر طرف شود. با تصویب قانون اصلاح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، تغییرات خاصی در وظایف و اختیارات سازمان و کارکنان پلیس ایجاد نگردید. البته ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری که به موجب ماده (۱۷) قانون آ.د.ک

^۱ - این موارد از مصادیق وظیفه ضابطین در راستای کشف جرم است.

۱۳۷۸ بر عهده روسای حوزه قضایی بود، با اصلاح و جایگزینی با بند «ب» ماده (۳) به دادستان محول شد.^۱

بند یازدهم: مبانی و منابع مسئولیت مدنی پلیس

مبانی و منابع مسئولیت مدنی را می‌توان بر اساس قواعد فقهی و حقوقی و قوانین موضوعه بنا نهاد. سیری در نوشته فقها و حقوقدانان و نیز توجه به این نکته که تقسیم‌بندی مطالب غالباً جنبه ذهنی و گاه سلیقه‌ای دارد ما را رهنمون می‌سازد که برای فهم و درک بهتر و راحت‌تر به تقسیم‌بندی منابع مسئولیت مدنی روی آوریم.

بند دوازدهم: مبانی فقهی مسئولیت مدنی پلیس

از دیدگاه اسلام هیچ زبانی نباید بدون جبران باقی بماند همین که ضرر ناروا و قابل انتساب ناشی از فعل زیان‌بار وارد شد شخص مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد و تفاوتی ندارد عامل زیان شخص حقیقی باشد یا حقوقی خسارت به اموال باشد یا جسمانی عین باشد یا منفعت خسارت باید جبران گردد برای جلوگیری از اطاله کلام به شرح هریک از قواعد ذیل خواهیم پرداخت.

بند سیزدهم: قاعده اتلاف

اتلاف به معنی تلف گردانیدن یا تلف نمودن است. تلف کردن آنگاه تحقق می‌یابد که فعلی انجام گیرد و بلاواسطه موجب از بین رفتن مال دیگری شود. خواه مال از نظر مادی نابود شود و خواه خاصیت خود را از دست دهد هر چند از نظر فیزیکی از بین نرفته باشد، همین که عرفاً ارزش خود را از دست دهد اتلاف محقق شده است.

علاوه بر این در اتلاف، فعل باید بلاواسطه منجر به حادثه‌ای زیان‌بار شود. یعنی فعل بدون دخالت واسطه‌ی دیگری منجر به زیان می‌شود اعم از اینکه واسطه مذکور ناشی از فعل شخص یا ناشی از عامل قهری باشد. به عنوان مثال اگر مأموری در اجرای قانون به کارگیری

^۱ - این بند مقرر می‌دارد: «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است». ماده (۳) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی تا ۱۳۸۱/۰۷/۲۸.

سلاح به سمت خودرو تیراندازی نماید و تیر به وسیله‌ی مذکور اصابت ننماید لیکن در اثر ترس یا دستپاچگی راننده، از مسیر منحرف و خسارتی بر آن وارد شود و انحراف به عنوان عامل قهری صورت گیرد عمل مأمور به علت اینکه بلاواسطه موجب خسارت نگردیده اتلاف محسوب نمی‌گردد. بنابراین باید بین عمل متلف و ضرر حاصله مناسبت ذاتی وجود داشته باشد.

اتلاف در فقه اسلامی تحت عنوان مباشرت مطرح شده است. از نظر لغوی مباشرت یعنی بالشخصه در کاری قیام کردن و نزدیک نمودن امری یا چیزی به خود. در فقه مالکی در تعریف مباشرت آورده‌اند: به آنچه گفته می‌شود که عادتاً منجر به نابودی می‌شود بدون اینکه واسطه‌ای در بین باشد. در فقه شافعی مباشرت عبارت است از آنچه که در تلف اثر می‌گذارد و به واسطه‌ی آن حاصل می‌شود.

مباشرت را به دو نوع تقسیم نموده‌اند؛ مباشرت علت و مباشرت شرط، به عنوان مثال اگر کسی ریسمان چراغ آویزی را قطع کند، نسبت به قطع ریسمان مباشرت علت و نسبت به افتادن چراغ به شرط تلقی می‌گردد.^۱ هر چند بعضی از نویسندگان فاعل را نسبت به افتادن چراغ، سبب می‌دانند و اگر در قطع طناب تقصیر نکرده باشد نسبت به چراغ مسئول نمی‌دانند. با توجه به ماده (۳۲۸) قانون مدنی که مقرر می‌دارد:

الف. تلف بلاواسطه و مستقیم. لازمه‌ی تلف کردن، انجام فعلی است که مستقیماً و بلاواسطه منجر به تلف مال دیگری شود هر چند ممکن است در بعضی موارد بین فعل و حادثه زیان‌بار فاصله باشد. به عنوان مثال اگر مأمور نظارت بر اماکن عمومی در اجرای وظایف قانونی اقدام به پلمپ سوپرمارکت حاوی مواد غذایی فاسد شدنی یا مغازه ماهی فروشی نماید و اجازه‌ی خروج آن مواد را ندهد و در اثر گذشت زمان، مواد مذکور فاسد شده و از بین رود، در این موارد هر چند از زمان انجام فعل تا افساد مواد غذایی مدت زمانی گذشته ولی با وجود فاصله زمانی، بین نتیجه فعل و حادثه‌ی زیان‌بار واسطه‌ای وجود ندارد.

بنابراین در اتلاف لازم است فعل به طور مستقیم و بلاواسطه منجر به حادثه زیان‌بار گردد.

ب. عدم لزوم تقصیر، اطلاق قید تلف کردن در ماده‌ی بالا نشان از این دارد که تلف کردن شامل اتلاف عمدی و غیرعمدی است. اتلاف غیرعمدی شامل اتلاف توأم با تقصیر است.

به عبارت دیگر فاعل خواه تقصیر داشته یا نداشته باشد مسئول خواهد بود. هرچند این نوع تقصیر مفهوم شناخته شده‌ای از نظر فقهی نباشد بلکه آنچه از نظر فقهی لازم است انتساب عرفی یا به تعبیر دیگر صدق عرفی تلف است.

ج. لزوم انتساب عمل به فاعل: در اتلاف هر چند تقصیر فاعل لازم نیست ولی انتساب عمل به فاعل لازم است و عمل باید ناشی از اراده فاعل باشد.

گاهی ممکن است شخصی عامل خسارت باشد ولی فاعل نباشد. در این صورت نامبرده مسئول نخواهد بود. به عنوان مثال اگر راننده‌ای با اتومبیل خود به اتومبیلی که در محل مجاز متوقف شده برخورد کند و باعث سقوط آن بر روی دیگری شود در این صورت نمی‌توان به راننده‌ی اتومبیل پارک شده مراجعه نمود زیرا فعل زیان‌بار به نامبرده انتساب ندارد.

گفتار دوم: قاعده‌ی تسبیب

مقصود از تسبیب، فراهم نمودن سبب حادثه‌ای زیان‌بار توسط شخص است. بر خلاف اتلاف که در آن علت تامه‌ی حادثه زیان‌بار توسط فاعل ایجاد می‌گردد در تسبیب قسمتی از علت حادثه زیان‌بار ایجاد می‌گردد به تعبیر دیگر سبب تلف‌مال‌شدن، یعنی با انجام فعل یا ترک فعل زمینه حادثه زیان‌بار را ایجاد نمودن.

انجام فعل گاهی منجر به تلف نمودن مال دیگری و گاهی منجر به ایجاد سبب تلف مال می‌شود که اولی تحت عنوان اتلاف و مورد اخیر تحت عنوان تسبیب موجب مسئولیت می‌گردد. ولی ترک فعل هیچ‌گاه منجر به اتلاف مال دیگری نمی‌شود بلکه صرفاً می‌تواند منجر به ایجاد سبب تلف مال دیگری شود.

با توجه به ماده (۳۳۱) قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرکس سبب تلف مالی بشود باید

مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقض یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقض قیمت برآید.» تحقق تسبیب مستلزم وجود شرایطی است:

الف. فعل مثبت: گاهی شخص با ارتکاب فعل، سبب اتلاف مال یا جان دیگری می‌شود. به تعبیر دیگر هر گاه انجام فعلی با واسطه موجب خسارت مال یا جان دیگری شود چون در این صورت انتساب عرفی حادثه‌ی زیان‌بار به فاعل تحقق می‌یابد؛ فاعل به عنوان سبب حادثه زیان‌بار مسئول خواهد بود. بنابراین هرگاه فعل با واسطه موجب خسارت شود تسبیب نامیده می‌شود.

ب. فعل منفی: مقصود از فعل منفی، ترک فعلی است که به موجب قانون یا قرارداد یا شغل بر عهده‌ی شخص است. به عنوان مثال به موجب ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین تکلیف قانونی مبنی بر کمک به مصدومین برای کلیه اشخاص مقرر شده است.

با توجه به موارد ذکر شده ورود غیر مجاز به ملک دیگری در راستای کشف جرم بدون مجوز و عدم توجه ضابطین به جرایم غیر مشهود موید این مهم است. (دادگاه کیفری ۲ میناب)

رای دادگاه کیفری ۲ میناب مبنی بر محکومیت دو نفر از پرسنل نیروی انتظامی به اتهام ورود بدون مجوز به منزل اشخاص

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقایان ... فرزند... متولد ... بشماره ملی ... نظامی، ایرانی، مسلمان شیعه، متاهل، ۲- ... نظامی، ایرانی، مسلمان شیعه، هر دو دایر بر ورود به منزل اشخاص بدون مجوز و ترتیب قانونی موضوع اعلام جرم دادستان محترم عمومی و انقلاب دادسرای شهرستان میناب بدین شرح که در مورخ هفدهم خردادماه هزار و چهارصد ساعت یک بامداد وفق صورتجلسه مرجع انتظامی، مامورین صدرالذکر در اجرای طرح جمع‌آوری تجهیزات دریافت از ماهواره در سطح حوزه استحفاظی... از توابع... که در حال گشت زنی

بوده‌اند اقدام به ورود به منزل مسکونی بدون مجوز قانونی و دستور قضائی نموده و مبادرت به جمع‌آوری تعداد سه عدد دیش و چهار عدد LNB تجهیزات فوق‌الذکر می‌نمایند و در صورتجلسه تنظیمی در دفاع از خود عنوان می‌نمایند که منزل مسکونی فاقد حصار بوده است بطوری که اقلام مذکور در دید عموم و مرئی بوده است فلذا از مصادیق جرائم مشهود بوده است،

دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده و با عنایت به اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مسکن اشخاص را مصون از تعرض دانسته و با لحاظ ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دائر بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی، ورود ضابطین به منازل اشخاص در جرائم مشهود جزء در موارد خاص نظیر بند ث ماده ۴۵ قانون اخیرالذکر که ساکنین تقاضای ورود ماموران را دارند، باید با مجوز مخصوص مقام قضائی باشد و عبارت جرائم مشهود در ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری معطوف به عبارت بازرسی اشخاص و اشیا است و به عبارت صدر ماده یعنی ورود به منازل.

همچنین نظریه مشورتی شماره ۷۷۵/۹۳/۷ مورخ ۹۳/۴/۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه و مفاد ماده ۵۸ قانون آئین دادرسی کیفری نیز ارائه اصل دستور قضائی در هنگام ورود به منازل ضروری دانسته است مؤید این مطلب می‌باشد.

ضمناً با توجه به نوع ساختار عمرانی و بافت روستایی مناطق جنوبی که اغلب خانه‌ها در محدوده تحت مالکیت یا تصرف خود فاقد حصار یا دیوار می‌باشند این امر نافی حق تصرف و مالکیت اشخاص وفق اصل ۲۲ قانون اساسی و اصل رعایت حریم اشخاص و تضمین رعایت این اصل می‌باشد فلذا با عنایت به مراتب معنونه و عدم حضور متهمین در مرحله تحقیق علی‌رغم وصف ابلاغ و اقرار صریح متهمین در مرحله رسیدگی، صورتجلسه بازرسی فرماندهی انتظامی شهرستان میناب، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادره و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده اتهام انتسابی به متهمین را محرز و مسلم دانسته و به استناد ماده ۵۸۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی و با توجه به زمان وقوع جرم که

شب بوده است حکم به محکومیت هر یک از متهمین به تحمل یکسال حبس تعزیری صادر و اعلام می‌نماید،

لیکن با عنایت به وجود شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس و در راستای سیاست حبس زدایی قوه قضائیه و رویکردهای ترمیمی و بازپروری و فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، فقدان شاکی خصوصی، اقرار متهمین و اعلام ندامت و آمادگی جهت اجرای مجازات جایگزین حبس توسط نامبردگان، در راستای مواد ۶۴-۶۷-۷۰ و بندهای پ ۸۳ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی و مصوبه هیئت‌وزیران در خصوص تعدیل جزای نقدی مصوب ۱۳۹۹ حکم به محکومیت هر یک از متهمین به پرداخت جزای نقدی جایگزین حبس صادره به میزان بیست و پنج میلیون ریال صادر و اعلام می‌نماید.

همچنین در راستای مواد ۸۷ و بند (ز) ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ناظر به ماده ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به‌عنوان مجازات تکمیلی حکم به محکومیت هر کدام از متهمین به تهیه، یادگیری و مطالعه کتاب «ضابطین دادگستری و جرایم مشهود» تألیف آقای مرصاد رجبی نشر مدیران ظرف سه ماه از تاریخ قطعیت حکم و ارائه خلاصه اهم موضوعات مورد مطالعه در سی صفحه تایپ شده به واحد اجرای احکام کیفری میناب صادر و اعلام می‌نماید.

قابل ذکر است در صورت تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس توسط متهمین یا تخلف از دستور یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس صادره اجرا خواهد گردید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان هرمزگان می‌باشد.

محمد چاکر عباسی

رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو میناب

نتیجه گیری

در جمع بندی پایانی این مقاله باید گفت توجه به رای صادره به توبیخ و تنبه ضابطین به خواندن کتاب ضابطین و جرایم مشهود بسیار به نوع مجازات جایگزین حبس به جهت علم و آگاهی و تنبه ضابطین توسط مقام محترم قضایی به جای حبس و بازی با سرنوشت این خادمان امنیت مورد تحسین است. پلیس در ایران مسئولیت مدنی دارد که ناشی از اجرای وظایف قانونی اش است و در صورت اعمال یا ترک فعل در انجام وظایف خود، در چارچوب قوانین مسئول جبران خسارات مادی و معنوی وارد شده به اشخاص حقیقی یا حقوقی می باشد. این مسئولیت ناشی از ضمانت اجرای تقصیر یا خطای مأموران پلیس در انجام وظایف مانند برقراری نظم، پیشگیری از جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین و اجرای احکام است. در واقع، اگر پلیس در انجام وظایف خود با تخلف از مقررات یا بی احتیاطی خسارتی وارد کند، مسئول جبران آن است. مسئولیت مدنی پلیس عمدتاً قهری است و نه قراردادی، چون رابطه قراردادی بین افراد و پلیس وجود ندارد و مشکلات ناشی از اجرای وظایف عمومی است. معیار تشخیص تقصیر، رفتار مأمور متعارف و محتاط در جریان انجام وظایف است. تقصیر یا خطای مأمور پلیس می تواند به دو شکل فعل زیانبار یا ترک فعل باشد. همچنین، در برخی موارد، مشارکت زیان دیده در وارد آمدن ضرر می تواند در میزان مسئولیت مدنی پلیس تأثیرگذار باشد. از نظر منابع قانونی، مسئولیت مدنی پلیس در قوانین مختلفی مثل قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون مسئولیت مدنی، قانون بکارگیری سلاح و قانون مدنی بررسی شده است. در این قوانین نیز به ضرورت رعایت مقررات و حقوق شهروندان توسط پلیس و لزوم جبران خسارت های وارده تأکید شده است. به طور خلاصه، پلیس موظف است در اجرای وظایف خود با رعایت مقررات عمل کرده و در غیر این صورت مسئولیت جبران خسارت های وارده را بر عهده دارد....